

مصالحه با کی؟

هموطنان و خوانندگان گرامی،

مطلب طولی را تحت عنوان (دمخالفینو او طالبانو سره خبری اتری، جوړه او روغه یعنی څه؟) به زبان پشتو روی دست داشتم. مطالب آن تا حد زیادی تکمیل شده بود و آنرا میخواستم نهایی ساخته و به نشر ارسال کنم. با باز کردن سایت وزین افغان جرمن آنلاين توجه ام را عنوان مصالحه با کی؟ نوشته خانم لینا روزبه - مؤرخ ۳/۲/۲۰۱۰ جلب کرد. خانم لینا روزبه در نوشته های خویش همیشه موضع گیری های واضح و رسا دارند از مطالعه آنها مستفید میشویم. میخواهم به یک مطلب این نوشته که تشویش تقریباً تعداد زیادی افغانهاست مکتبی داشته باشم.

(... بیاد داشته باشند که زنان افغانستان که بیش از پنجاه فیصد جمعیت آنکشور را تشکیل میدهند به هیچ وجه خواهان زندگی تحت سلطه رژیم طالبان که افغانستان و جهان آنرا برای پنج سال تجربه نموده است - نیستند. آوردن طالبان به افغانستان بمعنی بستن دروازه ها بروی انکشاف و شگوفایی، پایمال گردیدن حقوق زنان، افتادن امور سیاسی افغانستان بدست پاکستان و عربستان سعودی و بازگشت به وحشت و عقب ماندگی خواهد بود... نه از طریق مصالحه با طالبان بلکه مقابله شدید و پاکسازی مناطق جنوب... لینا روزبه - افغان جرمن آنلاين - مصالحه با کی؟ مؤرخ ۳/۲/۲۰۱۰).
با مطالعه نوشته و مضمون بالا تصمیم گرفتم نام نوشته خویش را به نحوی بالا تغییر داده، مختصر سازم و اینک افکار و فهم خویش را درین رابطه با شما احترامانه ذیلا شریک سازم.

اولتر از همه در رابطه به حقوق زن از نگاه و موضع دین مقدس اسلام کتب زیاد نوشته شده و نوشته اخیر جامع از محترم امین الدین سعیدی تحت عنوان مقام زن در اسلام است که در مورد تفصیلات خوب دارند. مقام و رسالت زن در خانواده و جامعه رسالتی است که در موارد زیاد قایم مقام ندارد. زن مادر است، زن خواهر است، زن همسر و شریک زندگی است و از دامن زن مرد به معراج رسیده. اینکه فهم و عمل حرکت طالب درین راستا چگونه بود و یا فهم شان در عمل چگونه منعکس شد و یا اینکه شرایط چیزی دیگر را تحمیل کرد بحثی است مستقل. اما موضع دین مقدس اسلام روشن و هویدا است که مطمئناً منظور خانم لینا روزبه نیز به این توضیح و باین منوال مثبت خواهد بود. اما آنچه در رابطه به مصالحه باید گفت که با تأسف درکشور ما در مفاهیم اصطلاحی یکسلسله واژه ها و اصطلاحات توافق وجود ندارد و هرکس از خود تعبیری از مفاهیم واژه های سیاسی روز را دارد. این حالت و یا هم در واقعیت موضع گیری مطابق فهم ما سبب ایجاد تشویش ها و سروصداهای موجه و غیر موجه گردیده و سبب سوء تفاهمات وسیع میگردد.

فهم دقیق از معانی اصطلاحی دیموکراسی، آزادی، نوعیت نظامهای سیاسی، سیکولاریزم، انتخابات، انتصاب و انتخاب افراد، تعاریف حکومت و وظایف ارگانهای دولتی، شرکت های تجاری و اینکه انجو شرکت تجاری است و یا مؤسسه خیریه، اقتصاد بازار آزاد، سیاست اقتصاد مختلط، مذاکره و مصالحه سیاسی، اپوزیسیون، مخالف، دشمن، حزب، سازمان، جمعیت، حرکت سیاسی و دهها واژه و اصطلاح سیاسی و اقتصادی است که در فهم تعاریف اصطلاحی، حدود و ثغور آن در موارد تفاوت های فاحش به ملاحظه میرسد. اینکه هر لغت، واژه و اصطلاح از خود تذکره دارد و معانی لغوی تغییر نمیکنند اما مفاهیم اصطلاحی بمرور زمان متغیر اند بحثی است مستقل و وسیع. این حالت در رابطه به فهم متفاوت از واژه ها و اصطلاحات روز چنانچه گفته آمدیم حداقل سبب سوء تفاهم و در موارد ضیاع وقت و حتی مناقشات جدی و جدال ها شده و میگردد.

اما من درین نوشته بیشتر به فهم خویش از مفاهیم اصطلاحی مفاهمه، مذاکره، مصالحه و آشتی متمرکز میشوم. دولت افغانستان و مسؤولین حکومتی و مأمورین عالی رتبه وزارت امور خارجه افغانستان مصالحه با مخالفین را در موارد زیادی مذاکره و مصالحه به مخالفین سیاسی به شمول مخالف مسلح، اپوزیسیون سیاسی و کسانی که در خط دولت قرار ندارند خلط و مزج میکنند. هدف شان چنانچه به کرات اظهار داشته اند: اینست که مخالفین باید سلاح خویش را به زمین گذاشته و بزندگی عادی تحت زعامت شان بازگردند. این مسؤولین، این سیاست را در موارد زیاد با تطمیع پولی و دادن چوکی های دولتی خلاصه نموده و تعجب میکنند که از این تلاشهای شان از سال ۲۰۰۳ تا حال کدام نتیجه مطلوب نگرفته اند. مخالفین را به مخالفین خوب و بد تقسیم نموده و خط کشی های خویش را دارند. مسلم اینست بخش بسیار کوچکی و فرصت طلب مخالفین به این پیشکش های مادی جواب مثبت خواهند داد اما تأثیرات جانبی این پیشکش دولت کشنده و خراب کننده است. اگر تقسیم بندی حکومتی را قبول کنیم برای شان باید خاطر نشان سازم که این حالت و کسانی که برای پول و چوکی به مفاهمه حاضر شوند آنها میتوانند برای پول و چوکی دست به اعمال خطرناک بعدی دیگر نیز متصل شوند. بیاد باید داشت که مخالف خوب در کابل نشسته و در پارلمان

دست بالا و پایین میکند. جنگ را به اساس تقسیم بندی حکومتی همان مخالف بد میکند. لذا به این تدبیر و این پیشکش منحیت برنامه عمده متمرکز شدن امر خطاء و غیر دقیق.

سوالی مطرح میگردد که مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است، یا اقتصادی و نظامی؟ به فهم ما مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است تا اقتصادی و نظامی. لذا تکیه کردن به پیش کش های اقتصادی و نظامی مشکل ما را حل نمیکند.

سوال مطرح میگردد که مفاهمه، مصالحه و مذاکره به چه معنا است؟ و مذاکره و مصالحه با کی؟ مصالحه و گذشت در برابر چه؟ حدود و ثغور این گذشت چیست؟

سوال مطرح میگردد آیا انتخاب و بدیل خوب دیگر غیر از مصالحه و مذاکره تعریف شده وجود دارد؟ علت تشویش مردم و علت ترس از مذاکره و مفاهمه در چه نهفته است؟

مسلم اینست که حد اقل مردم و کشور ما در بیشتر از سه دهه اخیر قربانی جنگ خانمان سوز گردیده، میدان مسابقات و زور آزمایی های دیگران شده و قربانی دادند. در مواردی هم فرصت های خوب از دست رفت. آنهاییکه توانایی فکری، فهم مسلکی و احساس خدمت به وطن دارند تا حال به نیرنگ های زمانه آنقدر آشنا نشده و یا نمیخواهند به نیرنگهای زمانه آشنا شوند تا در تعیین سرنوشت کشور سهم داشته و فهم خویش را درین راستا مؤثر بخرچ داده بتوانند. انسانهای چالاک و فریبکار توانسته اند با بدست آوردن اعتماد مراجع معین بین المللی و به هر در و دیوار زدن و به هر قیمت خود را به این جا و آنجا رسانیدن، امکانات و شرایط مالی و مادی و سیاسی را بدست آورند اما کار خدمت برای ملت و توانایی حل مشاغل را ندارند.

بخشی از اراده های خوب و بخشی از افراد مستعد در سیستم بد کار از دست شان ساخته نیست.

بهر صورت واپس به صورت مشخص به امر صلح، مصالحه و مذاکره و فهم ما در مورد.

زمان ثابت ساخته و ثابت خواهد ساخت که یکه تازی و سیستم های توتالیتر راه حل نیست. به موفقیت های زود گذر نباید مغرور شد. مسلم است که تا زمانیکه در صحنه سیاسی کشور نماینده های نیروهای واقعی جامعه موجود نباشند در آنکشور و جامعه صلح دوامدار قایم شده نمیتواند. مسلم اینست که سنج سیاسی کشور خلا ها و شکاف های عمیق دارد. سنج سیاسی کشور جوابگوی واقعیت های جامعه نیست. توازن در سنج سیاسی کشور وجود ندارد.

ما برای بیرون رفت ازین وضع چه انتخابی در پیش داریم: مثلا ارزش، نسخه و برنامه داریم و برای تحقق آن کار میکنیم. مقابل و یا گروه های سیاسی دیگر نیز در جامعه ما ارزش ها و برنامه های دارند و برای تحقق آن کار میکنند. ما بخاطر تحقق برنامه های خویش میتوانیم با سلاح، با تفنگ و تانک و یا هم با قلم، با عقل و منطق و راه مردمی و قبول شده جوامع بشری کار کنیم.

هدف رسیدن به صلح پایدار و ختم برادرکشی و اعمار جامعه مرفه و انسانی. هدف جستن و پیروی از راه های که زمینه های حاکمیت بر قلب ها را آماده سازد. هدف تجرید عناصریکه خراب کار و فتنه گر اند از ملت و مردم. هدف قطع دست بیگانه و امکانات عملی شان. هدف صلح مستند بر اصول انسان قابل قبول برای انسان. هدف توافق بر قواعد زندگی مشترک درکشور مشترک ما و روشن ساختن قواعد زندگی مشترک سیاسی در عین حال که تفاوت در نسخه ها وجود داد. وسیله مفاهمه، مذاکره و مصالحه. وسیله عقل، منطق انسانی، علم و برخورد فرهنگی، تدبیر و تفاهم نیک. درین راستا قابل دقت است اگر ما مثلا خود را یگانه موجود و واقعیت سیاسی کشور بدانیم و برای تحقق برنامه و مشی خویش مثلا بر پا کردن مثلا امارت اسلامی اولتیماتوم و شرط نهایی بگذاریم یا راه ما را همه ملت قبول کند یا هم بمب میگذاریم و از سلاح استفاده میکنیم تا اهداف خویش را برآورده سازیم.

ما و یا عده ای به این معتقدیم که دین از سیاسیت جدا و ما نظام سیکولار می خواهیم و حق قضاوت تمام ملت را به خود متعلق ساخته و از همه می خواهیم که از ما پیروی کنند و اینرا آزادی بهتر، دیموکراسی و تجویز (تطبیق) آنرا برای همه و کشور خویش میکنیم.

ما و یا عده ای میگوئیم که مردم ما مسلمان است و حکومت دیموکراتیک باید از همان ارزشهای دفاع و حمایت کند که ارزشهای مردمی است و این واقعیت را همه بدون قید و شرط قبول کنند در غیر آن افراطی است و باید به زندان گسیل شده و مورد تعقیب قرار گیرد. این و چندین روش، اندیشه، نسخه، تفکر و راه های حل برای مسایل مطروحه کشور و امر صلح.

حالا سوال مطرح میگردد که آنهاییکه برنامه های را مطرح کرده اند برای تحقق آن چون از طریق مسالمت آمیز، انسانی و متمدن امکانات تحقق ندارند و بسلاح دست برده اند و خود را کل واقعیت جامعه میپندارند نه جزء چه راه را باید در پیش گرفت. یکسره زور و تفنگ. پس فرق خوب و خراب و فرق عاقل و نادان، فرق هوشیار و کم فکر در چه شد؟ راهیکه باید با نظر و موضع که غیر از موضع و نظرماست و درمقابل ما قرار دارد - تا پایان مسلحانه جنگید تا به نابودی یکی بانجامد و یا هم راه جلسه و پیشکش کردن صدای صلح نه بمعنی گذشت از اصول بلکه برای توافق ممکن به امر خیر. توافق مبنی بر اینکه بیائید در مورد خانه مشترک و کشور خویش با هم مصالحه، مذاکره و تفاهم نمایم که برای صحت و عدم صحت، برای گرفتن اتوریتته سیاسی صحت و یا هم عدم صحت اندیشه ها و نسخه های خویش عوض سلاح گرفتن و استعمال زور به ملت مراجعه کرده - از روشهای حیوانی نی بلکه متمدنانه از وسایل

ایکه بشریت به آن بعد از پیچ و خم های زیادی متصل شده و رسیده و مطابق به آیه متبرکه - و امر هم شورا بینهم - کار و امور مسلمانان در بین شان به مشوره حل و فصل میشود - عمل نموده و از برادرکشی و خراب کاری دست برداریم.

پس مصالحه، مذاکره و مفاهمه گذشت از اصول نیست. قبول و یا رد طرح و روش مقابل نیست. به قدرت رساندن کسی در افغانستان نیست. دادن چوکی دولتی و گرفتن آن از مرجع ایکه صلاحیت آنرا ندارد - نیست. تقسیم پول و رشوه نیست. توافق بر بریدن سر و دست به کارد و چاقو تیز و کند (بضم کاف) نیست. توافق به آی اس آی و القاعده نیست. مصالحه بخشیدن خون احمد برای محمود از جانب حامد که شخص ثالث است نمیباشد. مصالحه پروسه است که تنها و تنها به صدور فرامین تحقق نمی یابد. مصالحه سیاسی به چال و فریب و نیرنگ ممکن نیست. مصالحه با اقدامات عملی و ریالستیک برای خدمت به امر خیر و خدمت به خلق الله و با هوشیاری و تدبیر و بازگرداندن اعتماد از دست رفته ممکن است. مذاکره و مفاهمه بین الافغانی نشستن به دور میز مذاکره و توافق بر قواعد بازی و کار سیاسی خود افغانها است تا با استفاده و توصل به راه های متمدنانه به اندیشه های که ما آنرا خیر، درست و انسانی تلقی میکنیم - راه و قواعد عمل کرد سیاسی خود را روشن و متمدن سازیم.

مردم ما مسلمان اند و انشاء الله تعالی همان راه را انتخاب خواهند کرد که مطابق به سفارش علماء و روحانیون ما مطابق به رهنمود های قران کریم و سنت نبوی (ص) باشد. اینست فهم ما از مذاکره و مفاهمه. این است فهم ما از مصالحه.

مسلم است که درین راستا روشن ساختن اصول عمده و اساسی و حد اقل های که باید تخطی از آن ممکن نباشد نیز ضرورت است.

به فهم ما با فشاری کردن برین که حتما و حتما باید همین قانون اساسی را با دهها نقص و خطای که دارد با ما قبول کنید و پاء فشاری بر خروج نیروهای خارجی که با تمام جوانب عملا وجود دارند و یا هم تعیین تقسیم اوقات زمانی درین رابطه قبل از آغاز مذاکره - دقیق و حتم نیست. این پیش شرط های اند که سبب ایجاد مشکل میشوند. بر ما افغانهاست که بدون قید و پیش شرط ها با هم نشسته و از هم دیگر شناخت و مطالبات خویش را تکمیل کرده و بر اصول قبول شده که تخطی از آن برای هر افغان ممکن نیست برای خدمت به مردم و روشن ساختن قواعد بازی مشترک کار کنیم. قانون اساسی موجود باید تغییر کند اما از طریق متمدن. نیروهای خارجی موجود با تمام جوانب باید به کشورهای خویش باز گردند اما باید برای آن عملا کار لازم کردن ضرورت است.

به فهم ما مصالحه و مذاکره با طالبان به معنای به قدرت رساندن آنها در افغانستان نیست. این صلاحیت ملت است. مصالحه با طالبان مواجه کردن و در میان گذاشتن اندیشه و راه های حل مسایل مطروحه کشور به پیشگاه مردم ماست تا آنها انتخاب کنند. اکثریت قریب به اتفاق مردم ما مسلمان اند. باید به اسلامیت و ایمان مردم ما ایمان داشت. بگذار ملت انتخاب کند که شناخت و تعبیری که حرکت طالب از مسایل اسلامی دارند برداشت و نسخه درست و راه حل درست مسایل و کشور ماست و یا هم فهم دیگر.

ضرورت است تا امکان آنرا فراهم آوریم که در کدام نقاط همین حالا توافق کرده میتوانیم؟ در کدام موارد به آراء وسیع ملت مراجعه شود و در کدام موارد توافق بعدی صورت گیرد؟ ما گذشته را نه خریده میتوانیم، نه پاک کرده میتوانیم و نه هم تغییر داده میتوانیم. ما انسانیم، فهم و درک و شناخت خویش را همه روزه تکمیل میکنیم. کامل ذات الهی است.

به فهم ما گروه - حزب و سازمان را مبنی بر معیار ها و شناخت دیروز مبنی بر اینکه (حکمتیار آشتی ناپذیر است! روزنامه هشت صبح مؤرخ ۴/۲/۲۰۱۰) آن و یا این آشتی ناپذیر است - ادعای است که شتابزدگی از آن کاملا هویدا است. از جانب دیگر ما منحنیت تبعه کشور حق داریم نظر، تشویش و شناخت خویش را ازین و یا آن حزب، سازمان و حرکت بگوئیم. بر ماست تا به اساس (اگر بینی که نابینا و چاه است - اگر خاموش بنشینگی گناه است) عمل کنیم. این حق ما است که به نظر و نسخه و راست بودن آن ایمان داشته باشیم. اما، ما حق نداریم که نظر خویش را بر دیگران تحمیل کنیم.

ما منحنیت تبعه کشور حق نظر خویش را داریم. اما منحنیت مسؤول امنیتی و صلاحیت دار حکومتی حق نداریم معیار نظر و راه خویش را با استفاده از مناصب دولتی بر دیگران تحمیل نموده و به متر و اندازه گیری ما کسانیکه موافق نیستند آنها را مورد تعقیب و پیگرد قرار دهیم. با عین روش حد اقل گستاخانه حق قضاوت و انتخاب دیگران را به خود انتقال میدهیم. روشیکه اکثریت حاکمیت های استبدادی در تاریخ کشور ما و کشورهای دیگر جهان نمودند و مینمایند. کشورها و نیروهای خارجی بشمول حکومت عربستان سعودی و تمام منابع خارجی در کشور ما استراتژی های خویش را دارند و در اکثریت و حتی تمامی موارد منافع خویش را اولویت خواهند داد. عده شان با ما کمک خواهند کرد تا این جنگ را تا اخیر دنبال کنیم. اما بر ماست تا با هوشیاری و زعامت نیک و مدبر خود و مردم خود را بالاخره ازین تهلکه نجات دهیم.

اینکه لجام و زمام امور افغانستان در یک معامله بکشور مردمی چین سپرده خواهد شد و یا هم پاکستان نقش تعیین کننده را در سرنوشت کشور و مردم ما خواهد داشت چیزی است که زمان جواب آنرا خواهد داد. بر ماست تا دیر نشده ما خود بیدار شده با تفاهم بین الافغانی مصالحه و مفاهمه خیر به مفهوم بالا زمام امور خویش را و ابتکار عمل را بدست خویش بگیریم و مردم خویش را ازین ظلم و تعدی نجات دهیم. ان الله لایغیروا ما بقوم حتی یغیر ما بانفسهم - خدای هم نه بدلوی حال د هغه قوم - خو چه خپل حالت بدل نه کری په خپله.
فاعتبروا یا اولابصار